

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همیار دادگاه حقوقی

جلد اول: مبحث اسناد تجاری

همراه با نمونه آرای کاربردی

مجید عطایی جنتی (قاضی دادگستری)

مرتضی تیرگانی (دانشجوی دکتری حقوق خصوصی)

زهرا داوطلب (قاضی دادگستری)

نشر حقوق پویا

سرشناسه:	عطایی جنتی، مجید
عنوان قرارداد:	ایران. قوانین و احکام - Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور:	مبحث اسناد تجاری همراه با نمونه آرای کاربردی/مجید عطایی جنتی، مرتضی تیرگانی، زهرا داوطلب.
مشخصات نشر:	قم: حقوق پویا، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری:	۳۷۲ صفحه
فروست:	همیار دادگاه حقوقی؛ جلد اول.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۵-۳۸-۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	همیار دادگاه حقوقی جلد اول اسناد تجاری
موضوع:	بازرگانی، اسناد -- ایران
موضوع:	Commercial documents -- Iran
موضوع:	حقوق تجارت -- ایران
موضوع:	Commercial law -- Iran
موضوع:	حقوق تجارت -- ایران -- دعاوی
موضوع:	Commercial law -- Iran -- Cases
موضوع:	رویه قضایی -- ایران
موضوع:	Jurisprudence -- Iran
شناسه افزوده:	تیرگانی، مرتضی
شناسه افزوده:	داوطلب، زهرا
رده بنده کنگره:	KMH۹۲۰
رده بندی دیویی:	۵۵۰۷/۳۴۶
شماره کتابشناسی ملی:	۷۵۹۶۴۲۲
وضعیت رکورد:	فیا
کد پیگیری:	۷۵۹۴۷۸۵

هر گونه تکثیر (اعم از چاپ، گپی و pdf و...) از این اثر بدون اخذ مجوز از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
لطفاً در صورت مشاهده موارد را به شماره تلفن های ذیل اطلاع دهید.

همیار دادگاه حقوقی جلد اول

مبحث اسناد تجاری

همراه با نمونه آرای کاربردی

مجید عطایی جنتی - مرتضی تیرگانی - زهرا داوطلب

■ ناشر: حقوق پویا ■ چاپ: چهارم ۱۴۰۱ ■ تعداد: ۵۰۰ نسخه

■ قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان ■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۵-۳۸-۰

■ کانال تلگرام: @hoghoghepoyapub ■ کانال تلگرام: @nashrehoghoghepoya

■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir ■ اینستاگرام: pooyalaw

جهت ثبت سفارش و ارسال:

شماره تماس: ۰۲۵۳۷۷۴۹۲۷۴ همراه: ۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

قم / خیابان ارم / جنب بانک ملی / پاساژ ناشران / پلاک ۲۲

ارسال کتاب به تمام نقاط کشور

فهرست مطالب

مقدمه	۹
۱) رسیدگی شکلی به اسناد تجاری	۱۰
۱-۱) دادخواست	۱۰
۱-۱-۱) شرایط عمومی دادخواست	۱۰
۱-۱-۲) شرایط اختصاصی دادخواست	۲۴
الف) چک	۲۴
پرسشی که در خصوص انتقال چک بعد از برگشت زدن مطرح میشود این است که:	۲۸
ب) سفته	۳۴
ج) حواله‌های بانکی	۳۷
۲-۱) مالی یا غیرمالی بودن دعوای اسناد تجاری	۴۵
۱-۲-۱) چک، سفته، حواله‌های بانکی	۴۵
۲-۲-۱) استرداد لاشه چک	۴۵
۳-۱) هزینه دادرسی	۴۸
هزینه واخواست	۵۳
۴-۱) میزان حق الوکاله و تمبر مالیاتی وکیل موضوع ماده ۹	۵۴
۵-۱) صلاحیت	۵۶
۶-۱) ارکان دعوای اسناد تجاری	۷۴
الف) وجود سند تحت عنوان چک، سفته:	۷۴
ب) حلول موعد اسناد تجاری:	۷۴
ج) عدم سقوط تعهد مدیون:	۷۴

۲) شرایط برخورداری از امتیازات اسناد تجاری..... ۷۶

۲-۱) رعایت شرایط صدور..... ۷۶

۲-۱-۱) شرایط صدور مندرجات سفته..... ۷۶

۲-۱-۱-۲) اختیاری..... ۷۶

الف: قید نام سفته..... ۷۶

ب: ذکر نام متعهد..... ۷۶

ج: شخصی که باید سفته را بپردازد..... ۷۶

۲-۱-۲) اجباری..... ۷۶

الف: امضاء یا مهر صادر کننده..... ۷۶

ب: تاریخ صدور سفته..... ۷۶

ج: مبلغی که باید تأدیه شود به تمام حروف..... ۷۶

۲-۱-۲) شرایط صدور مندرجات چک..... ۸۸

۲-۱-۲-۱) اختیاری..... ۸۸

۲-۱-۲-۲) اجباری..... ۸۸

۲-۳-۱) شرایط صدور برات..... ۱۰۱

۲-۳-۱-۱) اختیاری..... ۱۰۱

۲-۳-۱-۲) اجباری..... ۱۰۱

۴-۱-۲) شرایط ظهرنویسی..... ۱۰۱

۴-۱-۲-۱) اختیاری..... ۱۰۱

۴-۱-۲-۲) اجباری..... ۱۰۲

۵-۱-۲) شرایط ماهوی صدور چک، سفته، ظهرنویسی..... ۱۰۸

۶-۱-۲) صور اصدار اسناد تجاری..... ۱۱۱

۲-۲) رعایت مواعد..... ۱۱۳

۲-۲-۱) مواعدی که دارنده چک برای مراجعه به بانک جهت وصول چک باید

اقدام کند..... ۱۱۴

۲-۲-۲) مواعدی که دارنده چک برای اقامه دعوی می‌بایست اقدام کند..... ۱۳۸

۳-۲-۲) مواعدی که دارنده سفته باید برای مراجعه به دادگستری اقدام به

واخواست یا اعتراض عدم تأدیه سفته نماید..... ۱۴۲

۴-۲-۲) مواعدی که دارنده سفته برای اقامه دعوی می‌بایست اقدام کند..... ۱۵۳

۳-۲) ویژگی‌های مشترک اسناد تجاری (اسناد براوتی).....	۱۵۴
۱-۳-۲) وصف تجریدی بودن اسناد تجاری (اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات در مقابل دارنده).....	۱۵۴
۱-۳-۲) دارنده حسن نیت نداشته باشد.....	۱۵۵
۲-۳-۲) دارنده بلافصل باشد.....	۱۶۵
۳-۳-۲) متعهد اثبات کند که هنگام امضاء اهلیت نداشته یا امضاء متعهد جعل شده و یا سند تجاری شرایط شکلی صدور و اعتبار را دارا نباشد.....	۱۶۶
۲-۳-۲) وصف تنجیزی بودن اسناد تجاری.....	۱۷۲
۳-۳-۲) مسئولیت تضامنی صادرکنندگان اسناد تجاری (ماده ۲۴۹ قانون تجارت)	
.....	۱۸۰
۱-۳-۳-۲) تعهد ضامن در مقابل دارنده.....	۱۸۴
۴-۳-۲) عدم امکان درخواست تأمین دعوای واهی در خصوص اسناد تجاری (ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی).....	۲۰۵
۵-۳-۲) عدم امکان دریافت تأمین از اتباع بیگانه (ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی مدنی).....	۲۰۵
۶-۳-۲) اصل استقلال امضاها.....	۲۰۵
۷-۳-۲) اصل دلالت بر مدیونیت.....	۲۰۶
۴-۲) اقسام ظهنویسی.....	۲۰۸
۱-۴-۲) ظهنویسی برای انتقال.....	۲۰۸
۲-۴-۲) ظهنویسی برای وکالت.....	۲۱۵
۳-۴-۲) ظهنویسی برای وثیقه.....	۲۱۶
۵-۲) نکات.....	۲۲۰
۱-۵-۲) اعتبار مهر و امضا در اسناد تجاری.....	۲۲۰
۲-۵-۲) مستند قانونی مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری.....	۲۲۰
۳-۵-۲) مسئولیت ضامن در اسناد تجاری.....	۲۲۱
۴-۵-۲) صدور سند تجاری به نمایندگی.....	۲۲۱
۵-۵-۲) تبیین رای وحدت رویه شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۳.....	۲۲۳
۶-۵-۲) صدور اسناد تجاری در وجه حامل.....	۲۲۳
۷-۵-۲) مسئول پرداخت خسارت تاخیر تادیه و دادرسی در اسناد تجاری.....	۲۲۳

- ۲۳۳ ۸-۵-۲) مستند قانونی خسارت تاخیر تادیه در اسناد تجاری
- ۲۳۷ ۹-۵-۲) مبدا محاسبه تاخیر تادیه در اسناد تجاری
- ۲۵۲ ۱۰-۵-۲) مفقود شدن اسناد تجاری
- ۲۵۴ ۱۱-۵-۲) صدور دستور موقت در اسناد تجاری
- ۲۵۷ ۱۲-۵-۲) متعهدان اسناد تجاری
- ۱۳-۵-۲) اختلاف دیدگاه‌ها در خصوص خط خوردن حواله کرد توسط صادرکننده
- ۲۵۷
- ۱۴-۵-۲) انتقال کلی حقوق در اسناد تجاری
- ۲۶۴
- ۱۵-۵-۲) مرور زمان طرح دعوی در اسناد تجاری
- ۲۶۴
- ۲-۶) نکات قانون صدور چک (اصلاحی ۱۳۹۷/۸/۲۳) ۲۶۸
- ۱-۶-۲) اهم تغییرات قانون صدور چک (اصلاحی ۹۷/۸/۳)
- ۲-۶-۲) نکات اجرایی قانون صدور چک (اصلاحی ۹۷/۸/۲۳) علیه شعب بانک‌ها
- ۲۶۹) برای جبران خسارت اشخاص ثالث
- ۳-۶-۲) آیا ظهرو نویسی چک بر اساس قانون جدید ممنوع شده است؟
- ۴-۶-۲) صدور اجرائیه چک از صلاحیت شورای حل اختلاف خارج است. ۲۷۵
- ۵-۶-۲) نحوه مطالبه وجه و خسارت تاخیر تادیه از ضامن و ظهرو نویس چک. ۲۸۱
- ۶-۶-۲) شرایط صدور اجرائیه برای وصول وجه چک ۲۸۳
- ۷-۶-۲) دستور توقف اجرائیه چک موضوع ماده ۲۳ اصلاحی ۲۹۶
- ۸-۶-۲) امکان بازداشت یا عدم بازداشت نسبت به اجرائیه‌های ماده ۲۳ قانون صدور چک ۳۰۵
- ۹-۶-۲) مرجع رفع سوء اثر از چک ۳۱۱
- ۱۰-۶-۲) انتقال مال بعد از صدور اجرائیه چک بزه فرار از دین نیست ۳۱۳
- ۱۱-۶-۲) طرح دعوای ابطال اجرائیه چک ۳۱۵
- ۱۲-۶-۲) صدور قرار تأمین خواسته در موارد صدور اجرائیه بنابر ماده ۲۳ اصلاح قانون چک ۳۱۵
- ۱۳-۶-۲) مالی یا غیر مالی بودن دعوای ابطال اجرائیه ۳۱۷
- ۱۴-۶-۲) اشتباه در صدور اجرائیه ۳۱۷
- ۱۵-۶-۲) شرایط مرور زمان موضوع ماده ۲۳ قانون صدور چک ۳۱۸

۳۱۹.....	۳) نمونه آرای باب اسناد تجاری
۳۱۹.....	۳-۱) نمونه رأی ادعای امانی بودن چک
۳۲۰.....	۳-۲) نمونه رأی چک غیابی.....
۳۲۱.....	۳-۳) نمونه رأی عدم استماع ابطال چک.....
	۳-۴) نمونه رأی تأثیر دعوای کیفری چک بر دعوای حقوقی (ماده ۱۸ قانون آیین
۳۲۳.....	دادرسی کیفری
۳۲۵.....	۳-۵) نمونه رأی رد استرداد لاشه چک به دلیل عدم مالکیت خواهان.....
۳۲۷.....	۳-۶) نمونه رأی اماره مدیونیت
۳۲۹.....	۳-۷) نمونه رأی چک مشروط
۳۳۱.....	۳-۸) نمونه رأی چک خیانت در امانت
۳۳۶.....	۳-۹) نمونه رأی انتقال چک بدون ظهر نویسی
	۳-۱۰) نمونه رأی تأثیر دعوای کیفری چک در دعوای حقوقی (قرار توقف دادرسی)
۳۳۸.....	
۳۳۹.....	۳-۱۱) نمونه رأی رد درخواست دستور موقت چک
۳۴۰.....	۳-۱۲) نمونه رأی مطالبه خسارت تأخیر تادیه چک.....
۳۴۲.....	۳-۱۳) نمونه رأی قبول استرداد لاشه چک.....
۳۴۳.....	۳-۱۴) نمونه رأی تحصیل مجرمانه چک.....
۳۴۴.....	۳-۱۵) نمونه رأی اماره حسن نیت
۳۴۹.....	۳-۱۶) نمونه رأی مطالبه سفته بدون واخواست
۳۵۱.....	۳-۱۷) نمونه رأی مطالبه سفته تضامنی
۳۵۲.....	۳-۱۸) نمونه رأی سفته مشروط
۳۵۴.....	۳-۱۹) نمونه رأی عدم صلاحیت درخواست صدور اجراییه
۳۵۶.....	۳-۲۰) نمونه رأی درخواست صدور اجراییه
۳۵۷.....	۳-۲۱) نمونه رأی ابطال اجراییه و توقف عملیات اجرایی
۳۵۸.....	۳-۲۲) نمونه رأی ابطال اجرایی
۳۵۹.....	۳-۲۳) نمونه رأی قرار رد درخواست صدور اجراییه
۳۵۹.....	۳-۲۴) نمونه رأی اثبات تضمینی بودن چک
۳۶۰.....	۳-۲۵) نمونه رأی ابطال اجراییه و توقف عملیات اجرایی

۳-۲۶	نمونه رأی ابطال اجرایی	۳۶۱
۳-۲۷	نمونه رأی ابطال اجراییه	۳۶۳
۳-۲۸	نمونه رأی عدم صلاحیت درخواست اجراییه	۳۶۵
۳-۲۹	نمونه رأی توقف عملیات اجرایی	۳۶۶
۳-۳۰	نمونه رأی رد درخواست هزینه دادرسی در درخواست اجراییه	۳۶۶
۳-۳۱	نمونه رأی رد درخواست صدور اجرائیه نسبت به چک	۳۶۷
۳-۳۲	نمونه رأی دادگاه صالح برای صدور اجرایی چک صیادی	۳۶۹
۳۷۱	منابع	

مقدمه

حمد خداوندی را که سیرت‌ها و صورت‌های پسندیده را برای ما برگزید و روزی‌های خوش و نیکو را به ما ارزانی داشت. خداوندی که ما را آن‌گونه برتری داد که بر همه آفریدگان سلطه یابیم. چندان که به قدرت او هر آفریده فرمانبردار ماست و به عزت او در ریشه طاعت ما.

خداوند، آنچه را قسمت‌مان کرده‌ای و برای ما ناخوشایند است، محبوب ما گردان و آن حکم تو را که دشوار می‌پنداریم، آسان ساز و در دل ما انداز که در برابر آنچه در حق ما خواسته‌ای، تسلیم تو باشیم، و نخواهیم که آنچه به تأخیر انداخته‌ای، پیش افتد و آنچه پیش انداخته‌ای، به تأخیر افتد و آنچه را خوش نمی‌داری، اختیار نکنیم. کار ما را به سرانجام که نیک‌تر است و آن فرجام که پسندیده‌تر، پایان‌ده؛ زیرا تو نفیس‌ترین چیزها را می‌بخشی و بخشش‌های بزرگ می‌دهی، و هر چه بخواهی همان می‌کنی و تو بر هر کار توانایی.

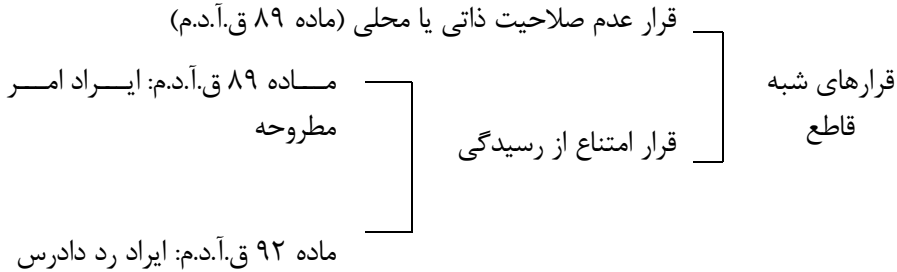
خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، و جنبش‌های نهانی دل‌ها و حرکت‌های اندام‌ها و گردش چشم‌ها و به کار افتادن زبان‌های ما را مخصوص چیزهایی ساز که ما را به پاداش تو می‌رساند، تا چنان شود که هیچ حسنه‌ای که مستحق جزای تو است از ما فوت نشود، و هیچ سیئه‌ای که مستوجب کیفر تو است در نامه اعمال ما ثبت نگردد.

خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا به یاد کردن خود در آنچه به من عطا فرمودی فراموش کار مگردان و به احسانت در آنچه به من بخشیده‌ای غافل مساز.

فرازی از صحیفه سجاده‌یه....

- نکته

در بحث اعاده دادرسی در ماده ۴۳۵ ق.آ.د.م از قرار رد درخواست اعاده دادرسی نام برده شده است.



- نکات طلایی در خصوص جلب شخص ثالث

- ۱- خواهان نمی تواند کسی را که در واقع باید به عنوان خواننده دعوی اصلی طرف دعوی واقع میشد به عنوان شخص ثالث به دادرسی جلب نماید.
- ۲- در فرضی که دادگاه بدوی قرار ردّ دعوی خواهان را به لحاظ عدم توجه دعوی به وی صادر کرده و نامبرده علاوه بر تجدیدنظرخواهی، دادخواست جلب ثالث نیز علیه شخصی که دعوی متوجه اوست اقامه نموده است، دادگاه تجدیدنظر ضمن تأیید قرار ردّ دعوی تجدیدنظرخواسته، قرار ردّ دعوی جلب ثالث را نیز صادر می کند.

🔍 نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه^۱ در این خصوص بدین شرح می باشد.

- استعلام

چنانچه دادگاه بدوی به لحاظ عدم توجه دعوی نسبت به خواننده قرار رد دعوی صادر نماید و خواهان با تجدید نظرخواهی نسبت به رأی مذکور صرفاً به این جهت که

۱ ✓ شماره نظریه: ۷/۹۵/۱۹۰۶ ✓ شماره پرونده: ۱۲۹۴-۱/۱۲۷-۹۵ ✓ تاریخ نظریه: ۱۱/۰۸/۱۳۹۵

دعوی را به طرفیت شخصی که دعوی توجه به وی دارد طرح کند مبادرت به تقدیم دادخواست جلب ثالث نماید با توجه به اینکه دادگاه بدوی وارد در ماهیت دعوی نشده و لحاظ اصل صلاحیت ذاتی دادگاه بدوی در رسیدگی به دعاوی واصل دو مرحله ای بودن رسیدگی و رعایت مجلوب ثالث از حقوق مرتبط به دادرسی بدوی آیا دادگاه تجدید نظر می تواند ضمن تأیید قرار رد دعوی دادخواست جلب ثالث را به عنوان دعوی مستقل به دادگاه بدوی اعاده نمایند یا علی رغم تأیید قرار معترض و اینکه رسیدگی دیگری در مورد اصل دعوی متصوره نیست خود به دعوی جلب ثالث نیز رسیدگی نماید

- پاسخ

اولاً: خواهان نمی تواند کسی را که در واقع باید به عنوان خواننده دعوی اصلی طرف دعوی واقع می شد به عنوان شخص ثالث به دادرسی ولو در مرحله بدوی جلب نماید. ثانیاً: در فرضی که دادگاه بدوی قرار ردّ دعوای خواهان را به لحاظ عدم توجه دعوی به وی صادر کرده و نامبرده علاوه بر تجدیدنظرخواهی، دادخواست جلب ثالث نیز علیه شخصی که دعوی متوجه اوست اقامه نموده است، دادگاه تجدیدنظر ضمن تأیید قرار ردّ دعوای تجدیدنظرخواسته، قرار ردّ دعوی جلب ثالث را نیز صادر می کند، زیرا جلب ثالث مطابق قانون اقامه نشده است و اعاده پرونده جلب ثالث به دادگاه بدوی جهت رسیدگی نیز فاقد موقعیت قانونی است چون طرح دعوای جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر به منظور رسیدگی در همان مرجع بوده است و مدعی می تواند مجدداً دعوای خود را به طور صحیح علیه کسی که دعوی متوجه اوست، در مرجع ذیصلاح بدوی اقامه نماید

❁ البته شایان ذکر است در این خصوص نظر مخالف نظریه مشورتی نیز وجود دارد که باید خوانندگان طرف اصلی دعوای بگيرند اگر خوانندگان طرف دعوای اصلی قرار نگیرند، قرار عدم استماع صادر میشود .

نظر مخالف (دکتر علی مهاجری): با توجه به اینکه ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مقرر می دارد دادخواست جلب ثالث و رونوشت مدارک و ضmann باید به تعداد اصحاب به علاوه یک نسخه باشد در نتیجه

باید نسخه ای از این دادخواست و ضمائم آن برای کلیه اصحاب دعوی اصلی ارسال شود؛ اما قید نام ایشان به عنوان خوانده در دادخواست گرچه ممکن است ولی ضرورت ندارد. زیرا مفهوم جلب ثالث این است که یکی از اصحاب دعوی اصلی، ثالثی را به دادرسی در حال انجام فرا بخواند؛ بنابراین سایر اصحاب دعوا در برابر این اقدام (جلب ثالث) دارای حق دفاع هستند و این حق از نفس اقدام به جلب ثالث ناشی میشود. بنابراین چه جالب ثالث نام ایشان را در ستون خوانده قید بنماید یا ننماید حق دفاع آنان در برابر این اقدام محفوظ است.

- قرار دادگاه

در خصوص دعوی آقای به طرفیت (نام مجلوب ثالث) به خواسته نظر به این که دعوی خواهان به عنوان دعوی جلب ثالث نسبت به پرونده کلاسه این دادگاه اقامه و بدلاّت ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی دادخواست جلب ثالث باید به تعداد اصحاب دعوی بعلاوه یک نسخه یعنی بطرفیت مجلوب ثالث و طرف دیگر دعوی اصلی اقامه شود و خواهان به این ترتیب قانونی عمل ننموده لذا دعوی او مطابق قانون نیست و دادگاه به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام میدارد. قراره صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان است .

۱-۱-۲) شرایط اختصاصی دادخواست

الف) چک

گواهی عدم پرداخت، شرط اختصاصی دادخواست مطالبه وجه چک می باشد. مضمون گواهی عدم پرداخت در چک این است که چنانچه به علل مندرج در ماده ۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵، چک قابل پرداخت نباشد، بانک گواهی حاوی مندرجات ماده ۴ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۹۷ صادر و به دارنده تحویل می دهد. در صورتیکه بعد از صدور گواهینامه عدم پرداخت، دارنده آن مجدداً به بانک مراجعه و وجه چک موجود باشد، بانک، مکلف به پرداخت آن است و در اینصورت،

گواهینامه عدم پرداخت قبلی توسط بانک ابطال خواهد شد. نظریه شماره ۷/۳۹۱ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید این استدلال است.

خواهان ملزم است تصویر چک و گواهینامه عدم پرداخت را به درخواست ضمیمه کند.

در این خصوص، ماده ۲۴ قانون متحدالشکل ژنو بیان می‌دارد: «ظهنویسی بعد از پروتست (یا هر اقدام دیگری نظیر آن) یا بعد از انقضای مهلت ارائه چک، تنها دارای آثار طلب معمولی خواهد بود.»

❏ ضمانت اجرای عدم اخذ گواهی عدم پرداخت

❏ سوالی که در این ضمیمه مطرح میشود این است که آیا اگر چکی منتهی به گواهینامه عدم پرداخت نشود، امکان مطالبه وجه آن در محاکم وجود دارد؟

جواب: اگر به ظاهر ماده ۲۴۹ قانون تجارت، بسنده نمایم، باید گفت همان‌طور که در براتی که واخواست نشده، دارنده برات، حق رجوع به برات‌کش و کسی که برات را قبول کرده و ظهنویسان را ندارد و باتوجه به مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون تجارت که این احکام را باید به چک و سفته هم تسری داد باید عقیده داشته باشیم که دارنده، حق رجوع به صادرکننده چک یا سفته و ظهنویسان را نداشته باشد. ماده ۴۰ کنوانسیون ژنو ۱۹۳۱ هم این دیدگاه را تأیید می‌نماید ولیکن این دیدگاه مورد تأیید نیست؛ چرا که اولاً ماده ۲۴۹ قانون تجارت را تا جایی می‌توان به چک و سفته تسری داد که با طبیعت چک و سفته مغایر نباشد، ثانیاً ماده ۳۱۸ قانون تجارت که بیان می‌دارد: «در صورت عدم اعتراض، مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود.» مؤید آن است که چک می‌تواند بدون واخواست مطالبه شود؛ لذا، اگر چک یا سفته واخواست نشده باشد، دارنده از مزایای تجاری آن محروم می‌شود و حق رجوع به ظهنویس را ندارد ولیکن او می‌تواند با مستند قراردادن چک یا سفته به دعوای حقوقی خود مبلغ آن را از صادرکننده به عنوان یک

دعوی مدنی مطالبه نماید. در این فرض اگر ظهرونیسی چک یا سفته به عنوان ضمانت باشد، دارنده حق رجوع به ضامن را دارد.^۱

- ضمانت اجرایی حقوقی عدم واخواست چک

☑ در پرونده‌ای شخصی به استناد یک فقره چک و بدون آن که از طرف بانک واخواست شده باشد، دعوی به خواسته مطالبه وجه آن چک مطرح می‌نماید؛ اما در جلسه دادرسی نامبرده و خوانده حاضر نمی‌شوند. باتوجه به عدم واخواست چک، آیا امکان صدور قرار عدم استماع دعوی خواهان وجود دارد؟ به عبارت دیگر، ضمانت اجرای حقوقی عدم واخواست چک نسبت به صادرکننده چیست؟

- پاسخ

بازگشت به استعلام شماره ۹۰۱۶/۱۸۲/۳۸۰۰۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۸ به شماره ثبت وارده ۱۴۸۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۷، نظریه مشورتی این اداره کل به شرح زیر اعلام می‌گردد:

اولاً، در خصوص چکی که منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت وجه نگردیده و وجه آن در دادگاه مطالبه شده است، سند مزبور به عنوان سند عادی غیرتجاری معتبر بوده و وجه آن وفق مقررات قانون مدنی قابل مطالبه می‌باشد و موضوع از موجبات صدور قرار عدم استماع دعوا نمی‌باشد.

ثانیاً، در فرض سؤال که خواهان یا وکیل وی در جلسه دادرسی حضور نیافته‌اند، دادگاه می‌تواند به رسیدگی خود ادامه داده و برابر مقررات مربوط اتخاذ تصمیم نماید.

۱ (شرح ماده به ماده قانون صدور چک، گرامی حسین، انتشارات جنگل، ۱۳۹۸ چاپ چهارم، ۵۸)

- پرسش

چنانچه چک توسط شخص (الف) به بانک ارائه شود و منجر به صدور گواهی عدم پرداخت گردد و سپس به شخص (ب) واگذار گردد، آیا شخص (ب) حق اقامه و پیگیری حقوقی موضوع را دارد؟

- نظر اتفاقی

با توجه به این که چک در حکم اسناد رسمی لازم الاجرا است و تابع قواعد و مقررات حاکم بر اسناد تجاری می باشد و در خصوص اسناد تجاری نیز محدودیتی در انتقال اسناد تجاری وجود ندارد، چنانچه چک موصوف با ظهرنویسی یا قرارداد به شخص (ب) واگذار گردد شخص اخیر دارنده چک محسوب شده و می تواند جهت استیفای حقوق خود به محاکم مراجعه نماید. بنابراین، در صورت احراز انتقال چک از شخص (الف) به شخص (ب) از طریق ظهرنویسی یا قرارداد، شخص اخیر دارنده محسوب می شود و صدور گواهی عدم پرداخت مانع انتقال چک به اشخاص دیگر نیست.

- نظر هیات عالی

محدودیتی که در شکایت کیفری در فرض سؤال وجود دارد، در طرح دعوی حقوقی وجود ندارد و امکان واگذاری حقوق و انتقال آن در مورد چک و سایر اسناد تجاری بعد از واخواست و صدور گواهینامه عدم پرداخت وجود داشته، طرح دعوی حقوقی (مدنی) فاقد اشکال قانونی است. اتفاق نظر اعلامی تأیید می شود.

📄 عنوان: لزوم احراز سمت خواهان در دعوای مطالبه وجه چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۱۲۲۷

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۶/۱۰/۱۳۹۱

در دعوای مطالبه وجه چکی که در وجه شخص معین صادر شده، انتقال صحیح چک به دارنده فعلی باید ثابت شود (ظهر نویسی) و صرف در دست داشتن چک فی نفسه و بدون اثبات ناقل قانونی کافی نیست و دعوای مطروحه مسموع نیست.

مستندات: بند ۱۰ ماده ۸۴ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی
رئیس شعبه ۱۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - مستشار دادگاه

موسوی - رحیمی

انتقال چک بعد از اخذ گواهی عدم پرداخت

پرسشی که در خصوص انتقال چک بعد از برگشت زدن مطرح میشود این است

که:

شخص الف دارنده یک فقره چک را بعد از برگشت به شخص ب منتقل می‌نماید چند نفر قبل از شخص به عنوان ظهرنویس و ضامن وجود دارد. سوال اول انتقال چک بعد از برگشت دارای وجاهت قانونی هست یا خیر؟ سوال دوم این انتقال به فرض صحیح بودن انتقال موضوع قانون تجارت است و در واقع ظهرنویسی است یا انتقال مشمول قانون مدنی؟

- نظر هیات عالی

انتقال چک بعد از صدور گواهی عدم پرداخت بانک محال علیه بلامانع است، لیکن باتوجه به ماده ۳۱۵ قانون تجارت و رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶-۱۰/۷/۶۹ دارنده چک شخصی است که ظرف مهلت قانونی گواهی نامه عدم پرداخت دریافت نموده باشد، بنابراین دارنده‌ای که با ظهرنویسی چک را دریافت کرده، دارای حقوق دارنده قبلی (دریافت کننده گواهی عدم پرداخت) نمی‌باشد و مشمول مقررات قانونی است؛ مگر اینکه براساس مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون تجارت عمل نموده باشد که در این مطابق مقررات ماده

۲۴۹ قانون تجارت صورت دارای تمام حقوق و وظایف دارنده سند تجاری است و ظهرنویسی (شخص الف در فرض سؤال) مشمول مسئولیت مقرر در ماده ۲۴۹ قانون مذکور خواهد شد.

- نظر اکثریت

این انتقال یک نوع ظهرنویسی است چون قانون تجارت و قانون چک به صورت مطلق بیان داشته‌اند که اسناد تجاری با ظهرنویسی یا حتی بدون ظهرنویسی به دیگری قابل انتقال است و قید نشده که این انتقال فقط تا قبل از واخواست می‌باشد بنابراین شخص ب دارنده قانونی چک و دارای کلیه امتیازات سند تجاری می‌باشد.

- نظر اقلیت

انتقال چک منع قانونی ندارد اما باتوجه به اینکه فرایند اسناد تجاری با صدور شروع و با قبول و ظهرنویسی و ضمانت عند الإقتضاء حسب مورد ادامه و در نهایت با واخواست این فرایند خاتمه پیدا می‌نماید لذا این انتقال نمی‌تواند ظهرنویسی باشد و باتوجه به اینکه مقررات شکلی در اسناد تجاری حایز اهمیت خاص است لذا این انتقال یک نوع انتقال تابع قانون مدنی می‌باشد و این انتقال مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی می‌باشد و شخص ب در واقع قائم مقام شخص الف می‌باشد و شخص الف ظهرنویس نیست تا در برابر شخص ب خود نیز مسئول باشد.

- نشست قضایی^۱ در خصوص انتقال چک پس از اخذ گواهی عدم پرداخت

- پرسش

چک بعد از ارائه به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت کماکان سند تجاری محسوب می‌شود و نقل و انتقال آن مشمول مقررات انتقال اسناد تجاری (از قبیل مسئولیت تضامنی ظهر نویسان) است یا اینکه با صدور گواهی عدم پرداخت خاصیت تجاری بودن خود را از دست داده و انتقال آن صرفاً انتقال طلب است؟

۱ ✓ تاریخ: ۱۳۹۷/۴/۱۴ ✓ شماره نظریه: ۱۳۹۸-۵۷۰۹ ✓ کد نشست: ۱۴۷۴ ✓ برگزار شده توسط استان خراسان رضوی/

- نظر هیات عالی

به استناد مواد ۲۴۹ قانون تجارت و ۲ قانون صدور چک و سایر مقررات مربوطه، دارنده ی سند تجاری کسی است که قبل از صدور گواهی عدم پرداخت دارای حقوقی می باشد و بعد از آن انتقال گیرنده، دارنده مورد نظر قانون تجارت تلقی نمی شود تا دارای مسئولیت تضامنی باشد و منتقل الیه می تواند حقوق خود را مطابق مقررات قانون مدنی مطالبه و وصول نماید.

- نظراکثریت

بعد از صدور گواهی عدم پرداخت خاصیت تجاری بودن آن از بین رفته و انتقال آن صرفا انتقال دین است.

- ادله این نظریه

۱- کسی که چکی را به بانک برده و گواهی عدم پرداخت اخذ نموده حقوقی دارد یکی از این حقوق طرح شکایت کیفری و دیگری طرح دعوی حقوقی مطالبه وجه چک است اصل بر این است که دارنده حق می تواند حق خود را به دیگری منتقل کند، انتقال حق طرح شکایت کیفری به غیر موجب قانون صدور چک منع شده است ولی انتقال حق طرح دعوی حقوقی به قوت خود باقی است و این انتقال یک نوع انتقال مدنی است نه انتقال تجاری بنابر این انتقال گیرنده حق نمی تواند علیه کسی که چک را به وی منتقل نموده طرح دعوی نماید.

۲- پایان یک سند تجاری وقتی است که واخواست شود و با توجه به اینکه صدور گواهی عدم پرداخت برابر رای وحدت رویه دیوان عالی کشور در حکم واخواست است، با صدور گواهی عدم پرداخت عمر تجاری چک به پایان می رسد و کسی که گواهی عدم پرداخت به نام وی صادر شده اختیار انتقال حق خود را در خصوص چک دارد و چون این اقدام حقوقی انتقال حق است نه انتقال چک، منتقل کننده مسئولیت تضامنی ندارد.

- نظر اقلیت

چک بعد از صدور گواهی عدم پرداخت کماکان خاصیت تجاری بودن را دارد و منتقل کننده چک مسئولیت تضامنی در قبال انتقال گیرنده دارد.

- ادله این نظریه

۱- صدور گواهی عدم پرداخت تاثیری در ماهیت تجاری چک ندارد یعنی ماهیت تجاری چک را تغییر نمی دهد و اینکه با صدور گواهی عدم پرداخت عمر تجاری چک به پایان برسد تصریح قانونی ندارد علیهذا منتقل علیه چک می تواند علیه انتقال دهنده نیز طرح دعوی نماید.

۲- ماده ۲۴۵ قانون تجارت (در خصوص انتقال برات با ظهر نویسی) اطلاق دارد و شامل انتقال چک بعد از صدور گواهی عدم پرداخت نیز هست. پس انتقال چک حتی بعد از صدور گواهی عدم پرداخت یک نوع انتقال تجاری بوده و منتقل کننده مسئولیت تضامنی در قبال منتقل الیه دارد.

- نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه^۱ در خصوص انتقال چک به ثالث پس از صدور گواهی عدم پرداخت.

- استعلام

احتراما الف- در صورتی که چک بعد از صدور گواهی عدم پرداخت از بانک محال علیه به شخصی غیر از ارائه کننده چک به بانک منتقل شود منتقل الیه از چه حقوقی برخوردار است؟

ب- آیا انتقال گیرنده می تواند وجه سند را از صادرکننده ضامن و ظهرنویسان مطالبه کند یا خیر. /ع

- پاسخ

اولاً، پس از واخواست سند تجاری، انتقال حقوق دارنده به شخص ثالث برابر مقررات خاصی که در مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون تجارت پیش بینی شده است، به عمل می آید. ثانیاً، انتقال اسناد تجاری و از جمله چک برای برخورداری از امتیازات قانونی راجع به اسناد تجاری موضوع قانون تجارت باید مطابق مقررات قانونی مربوط انجام پذیرد و با انتقال چک واخواست شده (برگشت شده) بدون رعایت مقررات مربوط، بر منتقل الیه، «دارنده» سند تجاری اطلاق نمی شود و در نتیجه از مزایای اسناد تجاری برخوردار نخواهد بود؛ با این حال تشخیص مصداق بر عهده مرجع قضایی رسیدگی کننده است.

- نظریه شماره ۷/۹۲/۱۱۹۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰:

انتقال چک یا ظهرنویسی پس از صدور گواهی عدم پرداخت فقط جنبه کیفری قضیه را از بین می برد و با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۱۲ قانون تجارت که مقرر می دارد «چک - ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود». انتقال چک به دیگری پس از صدور گواهی عدم پرداخت با ظهر نویسی آن، عمل حقوقی محسوب می گردد که دارنده چک می تواند حقوقی مالی خود را در خصوص آن چک به دیگری واگذار نماید.

عنوان: خواهان دعوی پرداخت وجه چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۳۶۴

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۹/۰۳/۱۳۹۲

صرف صدور گواهی عدم پرداخت به نام فردی که نمایندگی در وصول چک داشته است باعث نمی‌شود که این فرد ذی نفع چک شود و حق اقامه دعوا را پیدا کند. بر همین اساس طرح دعوی پرداخت وجه چک بلامحل باید توسط ذی نفع واقعی (شرکت تجاری) صورت گیرد و دعوی از سوی شخصی که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده و در اصل نماینده ذی نفع در دریافت وجه چک بوده و مسموع نیست.

رئیس شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشاردادگاه

دوبجری - نورزاد

نمونه رای صادر شده در خصوص انتقال چک پس از اخذ گواهی عدم پرداخت

«رای دادگاه بدوی»

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای.....به طرفیت آقای.....به خواسته مطالبه طلب موضوع دو فقره چک به شماره های ۳۸۷۹۰۲ و ۳۸۷۹۰۳ به مبلغ ششصد و پنج میلیون ریال به انضمام کلیه خسارات دادرسی و تاخیر تادیه از سررسید چک لغایت زمان اجرای حکم، با توجه به محتویات پرونده که حاکی است دارنده چک مطابق گواهینامه عدم پرداخت هر دو فقره چک در زمان تقدیم دادخواست، آقای.....بوده است هر چند که متعاقب رسیدگی مورخه ۹۵/۳/۲۲ حق و حقوق چک‌های موصوف به خواهان منتقل شده است اما به لحاظ اینکه در زمان تقدیم دادخواست ذینفع نبوده است مستندا به ماده ۸۹ ناظر به بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان صادر و اعلام می‌گردد. رای صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان کردستان می‌باشد.

«رای دادگاه تجدید نظر استان»

تجدید نظر خواهی آقای.....از دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۸۷۳۴۴۰۰۷۳۹ مورخ ۸/۲۷/۱۳۹۴ در پرونده ۹۴۰۴۷۱ شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان قروه دایر بر صدور حکم بر محکومیت تجدید نظر خواه به پرداخت مبلغ ششصد و پنج میلیون ریال وجه

دو فقره چک با احتساب خسارت دادرسی و خسارت تاخیر تادیه در حق تجدیدنظر خوانده وارد می‌باشد. زیرا حسب محتویات پرونده چک‌های مورد استناد تجدیدنظر خوانده در وجه حامل صادر ولی گواهی عدم پرداخت به نام شخصی به اسم آقای صادر شده است لذا مطابق مواد ۲۴۹ و ۳۱۱ و ۳۱۶ قانون تجارت و ماده ۱ قانون صدور چک، تجدیدنظر خوانده دارنده سند تجاری محسوب نمی‌شود و اصول حاکم بر اسناد تجاری شامل وی نمی‌گردد و از نظر این دادگاه انتقال یاد شده انتقال مدنی است که دادگاه بدوی می‌بایستی در خصوص موضوع رسیدگی می‌کرد. بنابراین دادگاه با توجه به مراتب فوق وبا توجه تعریف حکم در ماده ۲۹۹ و وحدت ملاک از ماده ۴۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ با تلقی حکم صادره به قرار به لحاظ عدم رسیدگی در ماهیت دعوی وبا استناد به ماده ۳۵۳ قانون موصوف ضمن نقض دادنامه تجدید نظر خواسته، پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به دادگاه محترم نخستین اعاده می‌نماید. رای صادره قطعی است.

رئیس شعبه دو دادگاه تجدید نظر کردستان - رشیدی

ب) سفته

شرط اختصاصی دادخواست در خصوص سفته واخواست یا اعتراض عدم تادیه می‌باشد. خواهان ملزم است کپی سفته و واخواست را ضمیمه درخواست نماید.

- ۱- پس از واخواست سند تجاری، انتقال حقوق دارنده به شخص ثالث مشمول مقررات خاصی تأدیه وجه سند تجاری توسط شخص ثالث (مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون تجارت) است.
- ۲- در این حالت انتقال سند تجاری با صرف ظهرونیسی امکانپذیر نیست و دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه توسط وی باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود.
- ۳- در این حالت انتقال سند تجاری با صرف ظهرونیسی، برای امضاء کننده برابر مقررات عام حقوق مدنی واجد آثار مدنی خواهد بود.

- نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

✓ شماره نظریه: ۱۹۲۸/۹۳/۷

✓ شماره پرونده: ۱۹۳۷-۰۸۸-۹۳

✓ تاریخ نظریه: ۱۳۹۳/۰۸/۱۷

نظر دوم: نظر به ماده ۳۱۲ قانون تجارت که مفید جواز انتقال هر نوع چک به صرف امضاء است قلم خوردگی عبارت (حواله کرد) در متن چک مانع واگذاری آن از طریق ظهنویسی نیست و رویه بانک‌ها مسقط حق قانونی دارنده چک نمی‌شود. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۱۱۴۳/۷ مورخ ۱۳۵۷/۰۹/۲۷ چنین نظر داده است: اولاً: خط زدن کلمه حواله کرد در روی چک تأثیری در حقوق واگذارکننده چک ندارد.

ثانیاً: صادر کننده چک نمی‌تواند حق دریافت وجه چک را از او سلب کند و به عبارت دیگر دارنده چک مالک آن است. بنابراین می‌تواند آن را به هر کس منتقل کند و خط زدن عبارت "یا آورنده" این حق را از او سلب نمی‌کند.

نظر سوم: با توجه به سکوت قانون تجارت ایران و اینکه به موجب قانون تجارت فرانسه و کنوانسیون متحدالشکل سازی اسناد تجاری ژنو، قلم خوردگی روی عبارت (حواله کرد) در چک مانع واگذاری آن است، به نظر می‌رسد که در صورت قلم خوردگی مذکور انتقال چک به دیگری جایز نباشد و چنانچه با این وجود، چک ظهنویسی شده باشد مانند مورد بند ۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی نه به‌عنوان سند تجاری بلکه به‌عنوان سند عادی که به موجب قانون مدنی در آن انتقال طلب صورت گرفته معتبر خواهد بود.^۱

نظر چهارم: اگر خط خوردن عبارت (به حواله کرد) در متن سند با قصد اشتراط عدم انتقال آن و با اطلاع و موافقت دارنده سند باشد نظر اول را بیشتر می‌توان پذیرفت. اما اگر چنین قصدی احراز نشود نظر دوم ترجیح دارد و مطابق قاعده است.^۲

۱- زینالی، توحید، دعاوی علیه ضامن و ظهنویسی در رویه دادگاه‌ها، انتشارات چراغ دانش، چاپ دوم، صفحه ۱۵۷.

۲- عبدی پور فرد، ابراهیم، حقوق تجارت اسناد تجاری، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۳، صفحه ۴۴.

عنوان: تأثیر حذف کلمه حواله کرد در انتقال چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۲۸۶

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۷/۰۳/۱۳۹۳

هر چند ممکن است چک در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد اما اگر صادرکننده چک کلمه به حواله کرد در متن چک را خط بزند به معنای این است که چک را در وجه شخص معین مذکور در متن آن صادر کرده است و حق انتقال آن به دیگری را بنا به روابط احتمالی فی مابین از وی سلب کرده است.

مستندات: مواد ۳۱۰ و ۳۱۲ قانون تجارت

رئیس شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه حضرتی - حاجی حسنی

عنوان: اثر خط زدن حواله کرد در چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۱۴۱۲

تاریخ دادنامه قطعی: ۳۰/۱۰/۱۳۹۲

چک سندی تجاری است که با ظهر نویسی به دیگری منتقل می شود بنابراین خط خوردن عبارت حواله کرد در متن چک نمی تواند وصف انتقال پذیری را از چک سلب نموده و این امر نمی تواند کاشف از اراده صادرکننده و دارنده اولیه چک بر منع انتقال چک به ثالث باشد.

رئیس شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه - فارسیجانی - اقتصادی

عنوان: اثر خط زدن عبارت به حواله کرد در چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۰۵۷۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۳۰/۰۴/۱۳۹۲

در صورتی که صادرکننده عبارت به حواله کرد را خط بزند، چک، دیگر به واسطه ظهورنویسی قابل انتقال نیست.

مستندات: نظریه شماره ۷/۶۷۵۹ - ۱۳۶۷/۱۰/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه

رئیس شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

جوادی - سعادت زاده

عنوان: اثر خط زدن عبارت "به حواله کرد" در متن چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۳۰۰۱۴۹

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۲/۰۲/۱۳۹۲

در صورتی که صادرکننده چک با خط زدن عبارت "به حواله کرد" حق واگذاری آن را از دارنده سلب نموده باشد از آنجا که در این موارد ظاهراً شخصیت دارنده مطمح نظر صادرکننده می‌باشد، چک از طریق ظهنویسی قابل انتقال نیست
رئیس شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه
حجازی فر - حسین خانی

عنوان: اثر خط زدن حواله کرد چک ؛ شرایط انتقال و ظهنویسی اسناد تجاری

شماره دادنامه قطعی: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۸۲۲

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۲/۱۲/۱۳۹۱

خط زدن حواله کرد چک به معنی عدم قابلیت انتقال آن به غیر است. عمل خلاف، فاقد اثر انتقال صحیح است. علاوه بر این ظهنویسی با قید مشخصات ظهنویس و امضاء ظهنویس صورت می‌گیرد و صرف زدن مهر شرکت در ظهرچک به منزله انتقال صحیح و ظهنویسی صحیح نیست. لذا در این موارد، ثالث حق مطالبه وجه سند مزبور را ندارد.

مستندات: ماده ۲۴۶ از قانون تجارت

رئیس شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

جوادی - سعادت زاده

عنوان: اثر خط زدن عبارت به حواله کرد در چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۰۵۷۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۳۰/۰۴/۱۳۹۲

در صورتی که صادرکننده عبارت به حواله کرد را خط بزند، چک، دیگر به واسطه ظهرونیسی قابل انتقال نیست.

مستندات: نظریه شماره ۷/۶۷۵۹ - ۱۳۶۷/۱۰/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه

رئیس شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

جوادی - سعادت زاده

عنوان: اثر خط زدن حواله کرد چک بر مطالبه آن توسط دارنده بعدی

شماره دادنامه قطعی: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۳۰۱۰۵۲

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۸/۰۹/۱۳۹۱

اراده صادرکننده با خط زدن عبارت به حواله کرد در متن چک، سلب حق انتقال به غیر است و تنها فرد مشخص حق دریافت دارد و دارنده ثانوی (متعاقب) حق مطالبه وجه چک را ندارد.

رئیس شعبه ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

دشتبانی - رفعت

عنوان: اثر خط زدن عبارت «حواله کرد» از روی چک

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۲۰۰۶۶۰

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳/۰۵/۱۳۹۲

در صورتی که عبارت «به حواله کرد» در روی چک خط خورده باشد، امکان انتقال چک به وسیله ظهرنویسی وجود ندارد.

مستندات: مواد ۳۱۰، ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون تجارت

رئیس شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

قمری - حاجی حسنی

- نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه

نظریه شماره ۷/۶۴۱۹ مورخ ۱۳۸۲/۸/۵:

نظر به این که صادر کننده چک با قلم زدن کلمه «حواله کرد» در متن چک پشت نویسی را از کسی که چک در وجهش صادر شده سلب کرده و دریافت کننده هم با پذیرش چک بدین نحوه با این امر موافقت نموده است و علی الظاهر شخصیت دریافت کننده مطمح نظر صادر کننده بوده است لذا در صورت انتقال به دیگری بانک محال علیه می تواند از پرداخت وجه آن خودداری کند.

نظریه شماره ۷/۳۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۹:

باتوجه به اینکه خط زدن عبارت به حواله کرد در متن چک توسط صادرکننده و پذیرش آن از سوی کسی که چک در وجه وی صادر شده است به معنای تراضی ایشان مبنی بر عدم ظهرنویسی و انتقال چک به غیر می باشد و از آنجا که دلیلی بر عدم اعتبار چنین توافقی وجود ندارد، علی الاصول معتبر است. در نتیجه ظهرنویسی آن فاقد اثر نسبت

□ دارنده چک برای اینکه بتواند تقاضای صدور اجراییه چک از دادگاه نماید چکی که در دست دارد باید دارای شرایطی باشد:

- برای پرداخت مبلغ چک شرطی در متن چک تصریح نشده باشد.
- در متن چک تصریح نشده باشد که چک جهت تضمین است.
- صادرکننده چک نسبت به چک صادره به بانک دستور عدم پرداخت نداده باشد.

- مقدمه دوم

صدور اجراییه فقط نسبت به صادرکننده و صاحب حساب امکان پذیر است و علیه ظهرنویس و ضامنین قابل صدور نمی باشد. نسبت به این اشخاص از طریق دادگاه با تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی و تعیین وقت رسیدگی و صدور حکم می توان اقدام نمود.

- مقدمه سوم

صدور اجراییه فقط نسبت به اصل مبلغ و حق الوکاله مطابق با تعرفه قانونی امکان پذیر است و شامل خسارت تأخیر تادیه نمی شود.

سوالاتی که در این مورد به ذهن میرسد بدین شرح است که:

□ اگر گواهی عدم پرداخت در مورد تمام مبلغ چک صادر شده باشد آیا دارنده چک میتواند درخواست صدور اجراییه نسبت به تمام مبلغ چک را نماید یا صرفاً این درخواست در مورد کسری مبلغ چک است؟

□ بعد از صدور اجراییه خواهان باید جهت مطالبه خسارت تأخیر تادیه دادخواست جداگانه دهد. در صورتی که خواهان خسارت تأخیر را مقوم کرده باشد حکم بر اساس مبلغ مقوم شده صادر می شود؟

□ یا اینکه حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از زمان سر رسید تا هنگام پرداخت صادر میشود در این صورت تکلیف هزینه دادرسی مابه التفاوت محکوم به چه میشود آیا بایستی بابت آن مابه التفاوت هزینه دادرسی اخذ شود یا خیر؟

برای پاسخ به این سوالات نظریه‌های مشورتی به شرح ذیل صادر گردیده است:

- پاسخ

- ۱- وفق ماده ۲۳ قانون صدور چک اصلاحی ۹۷/۸/۱۳ دارنده می‌تواند نسبت به میزان کسری مبلغ چک بر مبنای گواهی عدم پرداخت تقاضای صدور اجراییه نماید.
 - ۲- در دعوی حقوقی دادگاه در محدوده خواسته وفق دادخواست تقدیمی اظهار نظر می‌نماید.
 - ۳- نظر به اینکه در فرض سؤال خواسته خسارت تأخیر تأدیه (چک) توسط خواهان تقویم شده است دادگاه با توجه به شیوه محاسبه مبلغ خسارت تأخیر تأدیه وفق تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و ماده واحده قانون استفساریه تبصره موصوف مصوب ۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام از تاریخ صدور چک تا تاریخ تقدیم دادخواست خسارت تأخیر تأدیه را بر مبنای شاخص نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی محاسبه نموده و بر اساس میزان خواسته حکم صادر می‌نماید.
- بدیهی است چنانچه منظور خواهان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه تا هنگام وصول چک باشد و وی خواسته را به صورت علی الحساب مقوم نموده باشد، مرجع قضایی خوانده را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ چک تا هنگام وصول محکوم می‌کند و بقیه هزینه دادرسی را در زمان اجرا، وصول می‌نماید.

چنانچه به علت عدم انطباق امضاء گواهی عدم پرداخت چک صادر شده است، صدور اجراییه قانوناً میسر نمی‌باشد.

✓ شماره نظریه: ۸۰۸/۱۴۰۰/۷

✓ شماره پرونده: ۸۰۸-۸۸-۱۴۰۰ ح

✓ تاریخ نظریه: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

- استعلام:

چنانچه در گواهی نامه عدم پرداخت، بانک گواهی کند امضاء چک با نمونه امضاء صادرکننده مطابقت ندارد، آیا می‌توان اجراییه موضوع ماده ۲۳ قانون صدور چک (اصلاحی ۱۳۹۷) را صادر کرد؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

برابر ذیل ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی «اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضاء چک با نمونه امضاء صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد» و همچنین وفق ماده ۱۸۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷ با اصلاحات بعدی: «اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای زیر چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد و همچنین فقدان مهر در اشخاص حقوقی باشد در اداره ثبت اجراییه صادر نخواهد شد.»؛ بنا بر مراتب فوق و با الغای خصوصیت از مرجع صادرکننده اجراییه، در فرض سؤال که به علت عدم انطباق امضاء گواهی عدم پرداخت چک صادر شده است، صدور اجراییه موضوع ماده ۲۳ قانون صدور چک (اصلاحی ۱۳۹۷) قانوناً میسر نمی‌باشد.

نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه

۱۴ قانون صدور چک، صادر کننده چک، ذی نفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به این که چک مفقود، سرقت و جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت یا جرایم دیگر تحصیل شده است، می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه آن را به بانک بدهد: لذا با توجه به این که موارد صدور دستور عدم پرداخت وجه چک، در قانون مشخص شده است و با توجه به مراتب و ماهیت حقوقی چک به شرح مندرج در ماده ۱ قانون صدور چک درخواست صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت وجه چک به استناد ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ مغایر با اصول کلی و فلسفه صدور و اصل سرعت و گردش در این گونه اسناد است لذا با توجه به استدلال فوق الذکر و به استناد مواد مذکور قرار رد درخواست دستور موقت صادر و اعلام می گردد. قرار مذکور به استناد ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی به صورت مستقل قابل اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نیست لکن متقاضی می تواند ضمن تقاضای تجدید نظر به اصل رای، نسبت به آن نیز اعتراض نماید.

۳-۱۲) نمونه رأی مطالبه خسارت تأخیر تادیه چک

به تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۸ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دوم دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان به تصدی اینجانب امضاء کننده ذیل تشکیل است پرونده کلاسه فوق تحت نظر است دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

«رأی دادگاه»

در خصوص دادخواست خواهان آقای به طرفیت خوانده آقای به خواسته مطلیه خسارت تأخیر تادیه تقاضای مطالبه خسارات تأخیر تادیه اصل مبلغ ۲۳۰/۰۰۰/۰۰۰ از تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ تا زمان کامل اجرای حکم در خصوص پرونده کلاسه شعبه دوم دادگاه حقوقی در مورد مطالبه وجه چک با جلب نظر کارشناس) نظر به اینکه دعوی خواهان مستند به سند تجاری شماره سریال عهده بانک شعبه به مبلغ ۲۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با کد رهگیری است که با

توجه به اجرائیه مندرج در صفحه ۱ پرونده منتهی به صدور عدم پرداخت گردیده و اظهارات خواهان که مدعی است خوانده به موجب چک مذکور مبلغ خواسته را بدهکار بوده و از ادای دین در سررسید استنکاف نموده لذا خواستار محکومیت خوانده به شرح خواسته را شده است و خوانده علیرغم ابلاغ و رعایت انتظار کافی در جلسه دادرسی حاضر نیافته و علاوه بر عدم معرفی وکیل، لایحه دفاعیه ای که دلالت بر براءت ذمه خویش و دلیلی بر پرداخت وجه چک مارالذکر در سررسید و یا تاریخ موخر بر آن به نحوی از انحاء قانونی و رد ادعای خواهان باشد، به شعبه واصل نگردیده، لذا این دادگاه دعوایی خواهان را وارد تشخیص و مستند به ماده واحده استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاحی موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام حکم به محکومیت خوانده بابت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سر رسید لغات هنگام پرداخت ناشی از تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه متناسب شاخص اسلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که احتساب آن موقع پرداخت به عهده واحد محترم اجرای احکام مدنی خواهد بود. در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. بدیهی است پرداخت مابه التفاوت هزینه دادرسی در این قسمت از اجرای احکام احتسابی و بدو از خواهان اصلی اخذ و به حساب دولت واریز و سپس از خوانده اخذ می‌شود و یا راساً از محکوم علیه اخذ و به حساب دولت واریز خواهد شد رای صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر استان می‌باشد.

۳-۱۳) نمونه رأی قبول استرداد لاشه چک

بتاریخ ۱۳۹۹/۵/۱۱ در وقت فوق العاده جلسه شعبه سوم دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان به تصدی اینجانب امضاء کننده ذیل تشکیل است پرونده کلاسه فوق تحت نظر است دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.

«رأی دادگاه»

در خصوص دادخواست خانم فرزند به طرفیت آقای فرزند به خواسته استرداد لاشه چک به شمار به عهده بانک با احتساب خسارات قانونی خواهان در ایضاح خواسته بیان داشت با توجه به اینکه اینجانبه برابر اجاره نامه ضمیمه مستاجر منزل خوانده بودم و بابت تضمین تخلیه و قرارداد اجاره فوق یک فقره چک به شماره به خواننده تحویل دادم و با توجه به اینکه خانه را در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۲ به ایشان تحویل داده ام وی تاکنون نسبت به تحویل و استرداد لاشه چک جهت اینجانبه اقدامی ننموده که با تقدیم این دادخواست در مقام دعوی برآمده و تقاضای رسیدگی مبنی بر استرداد لاشه چک تضمینی و خسارات دادرسی را دارم. خواننده در جلسه رسیدگی حضور نیافته و لایحه ای از ناحیه ایشان واصل نشده است دادگاه با عنایت به محتویات پرونده و رونوشت قرار داد فی ما بین خواهان و خواننده و نظر به اینکه چک با اهداف مختلفی از قبیل پرداخت وجه بدهی، تضمین انجام کار با ضمانت یا رهن و اجاره و پیش پرداخت اقساط و غیره بین افراد رد و بدل می شود و چک موضوع دعوی نیز از این قبیل بوده و قرارداد اجاره که حاکی از تضمینی بودن چک می باشد از ادعای جعل و انکار و تردید مصون ماند او حسب قرار داد اجاره چک در تصرف و بد خواننده می باشد و تصرفات وی نسبت به چک مشکور من غیر حق می باشد چرا که خواهان حسب قرارداد ثانویه اجاره در مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۹ حاکی از این است که ملک را تخلیه نموده است (اماره قضایی) و طبق قاعده فقهی علی الید ما اخذت حتی تودیه با استناد به ماده ۶۱۹ قانون مدنی و ماده ۵۱۵ و ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی خواننده را محکوم به استرداد چک موضوع